

دریک چشم به هم زدن

والتر مرچ

برگردان: بهرام دهقانی
با همکاری لیلا کهبدی

IN THE BLINK OF AN EYE

By:

Walter Murch

Translated by:

Bahram Dehghani

برش‌ها و سایه‌برش‌ها

اغلب از حاشیه‌ی پدیده‌ها، بیش‌تر می‌توان پی به ماهیت درونی آن‌ها برد. بخار و یخ خیلی بیش‌تر از خود آب می‌توانند ماهیت آب را به ما نشان دهند.

اگرچه هر فیلمی که ارزش ساخته شدن دارد بایستی به نحوی بی‌همتا باشد؛ اما شرایط فیلم‌سازی آن قدر گوناگون و متفاوت است که بحث بر سر این موضوع که چه شرایطی صحیح و طبیعی^۱ است را غیرممکن می‌سازد. فیلم **اینک آخرالزمان**^۲ به تعبیری و براساس معیارهایی هم‌چون برنامه‌ریزی، بودجه، بلندپروازی هنرمندانه، نوآوری فنی، به سان معادلی سینمایی برای همان موضوع بخار و یخ به شمار می‌آید. این فیلم با احتساب زمانی که صرف تکمیل آن شد (یک سال طول کشید تا آن را تدوین کردم و سال دوم هم درگیر آماده‌سازی صدا و میکس آن بودیم) یکی از طولانی‌ترین مراحل پس از تولید^۳ را پشت

1 - Normal

۲ - Apocalypse Now - به کارگردانی فرانسیس فورد کاپولا.

3 - Post-Production

سرگذاشت؛ که همین موضوع می‌تواند برای ما روشن کند که شرایط طبیعی برای یک فیلم چیست یا چه می‌تواند باشد.^۱

یکی از ساده‌ترین دلایل طولانی شدن زمان کار، طول راش‌های^۲ چاپ شده بود که بالغ بر ۱/۲۵۰/۰۰۰ فوت یا چیزی بیش از دویست و سی ساعت فیلم بود. با توجه به زمان نهایی فیلم که کمتر از دو ساعت و بیست و پنج دقیقه می‌شد، می‌توان دریافت که برای این فیلم، نسبت مصرف نگاتیو، نود و پنج به یک بوده است. یعنی نود و پنج دقیقه‌ی نادیده به ازای هر دقیقه که راهی پرده‌های سینما شده است. در حالی که نسبت متعارف برای فیلم‌های سینمایی چیزی حدود بیست به یک است.

بررسی و تماشای این راش‌های نود و پنج به یک، به مثابه عبور در دل یک جنگل انبوه و رسیدن به یک چمن‌زار وسیع و سپس فرو رفتن دوباره به درون جنگلی دیگر بود. برای نمونه، میزان فیلم مصرف شده برای سکانس هلی‌کوپتر بسیار زیاد و برای برخی از صحنه‌ها معمولی یا حتی کم بود. به نظرم صحنه‌ی مربوط به کلنل کیلگور^۳ به تنهایی بیش از ۲۲۰/۰۰۰ فوت بود و با توجه به این که سکانس تدوین شده در فیلم نهایی بیست و پنج دقیقه شد، می‌توان نسبت تقریبی صد به یک را برای این سکانس محاسبه کرد، اما بسیاری از سکانس‌های رابط تنها با

۱ - من کمی دیر به مرحله‌ی تدوین این فیلم رسیدم. ریچی مارکس (Richie Marks) و جری گرینبرگ (Jerry Greenberg)، نه ماه بود که فیلم را تدوین می‌کردند. من در اگوست ۱۹۷۷، حدود چند ماه بعد از پایان فیلم‌برداری به آن‌ها پیوستم. سه ماه با هم کارکردیم و جری در بهار ۱۹۷۸ از جمع ما جدا شد. من و ریچی کارمان را با هم ادامه دادیم تا این که لیزا فراتمن (Lisa Fruchman) نیز به ما پیوست و سپس من کار روی نوارهای صدا (Soundtracks) را شروع کردم.

۲ - Rushes (راش‌ها)، Dailies (کپی روزانه)، Work Print (کپی کار) مجموعه‌ی کلماتی است که در فارسی به عنوان کپی کار برای تدوین اطلاق می‌شود.

3 - Kilgore

یک نمای کلی^۱ فیلم‌برداری شده بودند. فرانسیس آن‌قدر نگاتیو و زمان فیلم‌برداری برای صحنه‌های مهم مصرف کرده بود که میزان نماهای این سکانس‌های رابط در مقایسه با آن‌ها، خیلی کم بود.

بسیاری از صحنه‌های عظیم، مثل حمله هلی‌کوپترها به موقعیت چارلی^۲، با هم‌نواهی موسیقی واگنر^۳ دقیقاً مانند یک حادثه واقعی طراحی و کاملاً مثل یک فیلم مستند، از تمامی رویدادها فیلم‌برداری شده بود. مجموعه‌ای از فعالیت افراد در برابر و پشت دوربین، ابزار و دستگاه‌ها، دوربین‌ها و صحنه‌پردازی، مثل یک باله‌ی عظیم طراحی شده بود. منظره‌ای شبیه به یک اسباب بازی کوکی که آن را کوک کنید و سپس رهایش کنید تا دور خودش بچرخد و پس از پایان کوک سرجایش بایستد.

هر بار که فرانسیس دستور حرکت می‌داد، صحنه‌ی فیلم‌برداری درست شبیه یک میدان جنگ واقعی می‌شد. هشت دوربین فیلم‌برداری به طور همزمان فیلم می‌گرفتند (تعدادی روی زمین و تعدادی درون هلی‌کوپترها). هر دوربین یک کاست هزار فوتی (حدود یازده دقیقه) نگاتیو داشت.

در پایان هر برداشت، در صورتی که اشکال عمده‌ای رخ نداده بود، جای دوربین‌ها تغییر می‌کرد و دوباره همه چیز از نو آغاز می‌شد و سپس دوباره تکرار می‌شد و تکرارهای مجدد. این عمل آن‌قدر ادامه پیدا می‌کرد تا مطمئن شوند که به اندازه‌ی کافی نما در اختیار دارند. در مجموع در هر برداشت حدود ۸۰/۰۰۰ فوت نگاتیو مصرف می‌شد که معادل یک ساعت و نیم بود. هیچ کدام از نماهای گرفته شده، شبیه

1 - Master Shot 2 - Charlie's Point

3 - Ride of The Valkyries by Wagner